

دواج زبان محاوره و بحران در غنای زبان فارسی

و بهره‌گیری آنها هم در ادبیات معاصر امروز به طرز شگمگیری تغییر پیدا کرده است. استفاده از مقوله‌هایی که شاید تا یکصد سال اخیر اصلاح‌مورد استفاده قرار نمی‌گرفتند و امروزه بیشتر از آنها بهره‌مند بریم. در ادبیات امروزه از ساختارهای نوین کلامی و نوشتاری، تلفیق واژه‌ها و ساختارهای نوین زبان بیشتر بهره‌مندی بریم و آن را با زبان روز بیشتر پیوند می‌دهیم. این دقیقاً در حالی است که در متون چند قرن گذشته ما در ادبیات پیچیده‌تری به لحاظ متون، واژه شناختی و ریشه‌یابی آنها را شاهد بودیم. در ادبیات کلاسیک سیار بیشتر از ادبیات مدرن و معاصر از آرایه‌های ادبی و ریشه‌های تاریخی زبان استفاده می‌شد، حال آنکه در ادبیات امروزه کمتر شاهد چنین متون پیچیده‌ای هستیم.

◀ با توجه به تغییراتی که در زبان محاوره و آثار ادبی (به ویژه در حوزه شعر) با آن مواجه هستیم، لزوم رورود زبان شناسی در آثار معاصر پررنگ جلوه می‌کند. این در حالی است که در رسالهای گذشته شاهد کمبود پژوهش‌های تالیفی در این حوزه هستیم. نظر شما در این باره چیست؟ دلیل آن را بارگم دانند؟

پا توجه به شواهد فراوان در متن منظوم و منثور متوجه می شویم که زبان مردم کوچه و بازار یا زبان رسمی - از آغاز ادب فارسی تاروگارما- همواره همراه و هماهنگ بوده است و موجب خلق برخی از موضوعات دستوری مانند تباع، اسم صوت، تخفیف، قلب، ابدال و غیره شده است. در حالی که ما امروزه در سیاری از متن منظوم و در شعر استفاده از چنین صنایعی را نداریم و یادداشل بسیار کمتر آنها را می بینیم. ساختارهای کلامی در زبان محاوره امروز با آنچه مادر سال های پیشین از آن استفاده می کردیم و کاربرد داشت بسیار متفاوت شده است و شاید به جرات بشود گفت که با چنین رویکردی عمل ساختارهای زبانی غنی فارسی، کم کم رو به فراموشی بروند. در شعر امروز انتخاب زبان محاوره (در ترانه) بیشتر در سیک یا ملودی اتفاق می افتد. شیوع ملودی هایی که با موسیقی ایرانی بیگانه اند و سازگاری با وزن و عروض ادبیات فارسی ندانند، در رواج ادبیات محاوره سهم بسیاری داشته است. در انتخاب زبان محاوره باید به این نکته توجه داشت که صرف به کارگیری کلمات بازم محاوره و کوچه بازاری، کافی نیست؛ بلکه شعر محاوره باید از ضرب المثل ها و فهنهای اصطلاحات مدمد. ادبیات یعنی سیاست، باشد دیگر

نمایشنامه و فیلمنامه استفاده می‌کنند، زبانی است پیچیده و رمزآلود و پراز صورت‌های خیال. از این رو غالباً پیام آن به راحتی دریافت نمی‌شود و مخاطب باید از مزمز و رازهای زبان ادبی آگاه باشد تا بتواند پیام را به درستی دریافت و مرگشاسی کند. زبان ادبی از اسطوره، تاریخ، صنایع ادبی، ابداعات و ابتکارهای زبانی و تخلیل و خلاقیت بهره می‌گیرد. در عین حال، همچون زبان علم، دایره واژگانی منحصر به فرد و البته خاصی دارد. در زبان ادبی شفاف که شاید رئال نویسی، اتوبیوگرافی نویسی و سفرنامه نویسی را توaniم در آن حیطه قرار دهیم، بیشتر ساختارهای زبانی ساده، جملات بدون ابهام و بدون آرایه‌های خاص ادبی مورد استفاده قرار می‌گیرند و خواندن چنین متنونی در مفهوم کلی برای خواننده، واضح و روان است. حال اینکه در برخی از متنون ادبی و حتی روایت‌ها، داستان‌ها و رومان‌های بلند، ممکن است استفاده از آرایه‌ها، حوزه‌ها و ساختارهایی را شاهد باشیم که متن را ملزم به استفاده و برسی روشن‌هایی خاص برای درک بهتر کنند و شاید چنین متنونی برای خوانندگان عام قابل درک نباشند.

◀ زبان‌شناسی در آثار ادبی معاصر چه مقوله‌هایی را
بنیال می‌کند و از چه حیث، کارگشاست؟
همان طور که می‌دانیم با روی کار آمدن موج ادبیات و
داستان‌های مدرن و تغییرات چشمگیر زبان نوشتاری در
آب، نوع ادبیات، ساختار، استفاده از مقوله‌های زبان‌شناسی،

A woman with dark hair and glasses, wearing a black hijab and a grey blazer, is speaking into a microphone at a podium. She is looking slightly to her left. The background is a plain, light-colored wall.

آرمان ملی - بیت‌ناصر: یکی از مهم‌ترین رسالت‌های زبان شناسی و مطالعات زبان شناختی، کمک به سلامت و حفظ غنای زبان و ادبیات یک ملت است؛ خصوصاً در شرایطی که عوامل متعددی به فراخور پیدا شیش و گسترش منابع جدید تولید محتوای متنی (نظیر رسانه‌های نوظهور و مبتنی بر تکنولوژی‌های مدرن یا توسعه‌گرایی‌های مشترک نظری بازار موسیقی و ترانه) گنجینه زبان و غنای ادبیات فارسی را در جامعه تهدید می‌کند. مریم طباطبائی‌ها، مترجم و منتقد ادبی ضمن تشریح اهمیت و کارکردهای ضروری مطالعات زبان شناختی، درباره احتمال تعدی گونه‌های محاوره‌ای روزبه غنای زبان فارسی می‌گوید: «شیوه ملودی‌هایی که با موسیقی ایرانی ییگانه‌اند و سازگاری با وزن و عروض ادبیات فارسی ندارند، در رواج ادبیات محاوره سه‌هم بسزایی داشته است. در انتخاب زبان محاوره باید به این نکته توجه داشت که صرف به کارگیری کلمات یا نرم محاوره و کوچه بازاری، کافی نیست: بلکه شعر محاوره باید از ضرب المثل ها و فرهنگ اصطلاحات مردمی و ادبیات یومی سرشار باشد». و...

«درنگاهم سمعاً مولاناست» از پرنیان محتمم، در

دیالوگ‌هایی عاشقانه و
درنگاه‌هم سماع مولاناست»



ابدین پاپی (آرام)

هم مناسب کسانی است که آن ایام را تجربه نکرده‌اند و فقط روایت‌هایی به گوششان رسیده است. داستان از شیوه سودابه به یکی از پسران همسایه آغاز می‌شود، اما بین عشق با مخالفت برادر سودابه مواجه می‌شود. برادر رای دوری سودابه از پسر، خواهرش را به اهواز می‌فرستد. سودابه بعد از حضور در اهواز با حال و هوای مناطق جنگ‌زده آشنا و در ادامه با ماجراها واقعیت‌های جنگ و بیوه رو می‌شود. این رمان درسی و پنجمین نمایشگاه این‌المللی کتاب تهران عرضه شده است. کاظمی علاوه بر «آواز آن پرنده آتشین»، مجموعه داستان‌هایی همچون «یاس امین الدوله»، «کاپیتان دوشنبه»، «جان‌های بعله و رور»، «مردی که خون آبی داشت» و «آن‌و درخت خرمالو» را در کارنامه ادبی خود دارد.

صوت رامی شکستند. من هنوز دختر بچه‌ای رامی بینم که از ترس، نفسش بند آمده و از میگ‌های عراقی متصرف است، از صدام متغیر است... جهان این رمان، جهانی است که بیش از هرچیز به ناخودآگاه جامعه ایرانی، ترس‌ها، دوست داشتن‌ها، مرگ و... می‌پردازد، زنان و مردانی که با هیولای جنگ، فقر، نبود الاهای ضروری مثل نفت، روغون، آرد و... دست و پنجه نرم کرده‌اند، عزیزانشان را از دست داده‌اند و... وی درباره اهمیت پرداختن به موضوع جنگ، معتقد است: «واقعیت این است که ما هنوز به جنگ نپرداخته‌ایم و از آن نتوشمۀ ایم، نگاهی نه از تفکر مسلط بر جامعه: بلکه نگاهی واقع بین و حقیقی به پدیده منحوس جنگ!» (واز آن پرنده آتشین) هم مناسب مخاطبینی است که طعم جنگ را چشیده‌اند

رمان «آواز آن پر زنده آتشین» تا زه ترین اثر سیمیه کاظمی حسنو ند که در انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده، در نمایشگاه کتاب به دست مخاطبان می رسد. کاظمی با نگارش رمانی اجتماعی، از منظری خاص به جامعه جنگ زده دهه ۶۰ نگاه می کند. جامعه ای که توامان با عشق، آرزو، امید، بهت و اندوه همراه بوده است. کتاب هم چنین روایتگر داستان زنانی رنج کشیده و مردانی است که صدای بمب و خمپاره به کاوش شان تبدیل شده است. نویسنده درباره این رمان و انگیزه نگارش آن می گوید: «داستان به زمان جنگ برمی گردد، البته جنگی که در خط مقدم نیست و توی شهرها و روستاهاست. زمان جنگ من پنج- شش ساله بودم، هوای پماماهی عراقی از بالای شهرها در می شدند و دیوار

آواز آن پرندہ آتشین» از روزگار جنگ



پل استر و آبروونی

رسی سه گانه «نیویورک»-بخش دوم



لیسته و مسند

به کار برده شده است و همین موضوع دهنده شاخصه «تکرار» در داستانهای مدرن می‌باشد.

فراروایت کنایه‌آمیز: پل استر نو به عنوان یک عنصر فراروایت، خودش داستان می‌نویسد؛ با نوعی دوگانگی عنوان نویسنده و هم به عنوان کارآگاه و شده است. آنها داستان‌های بسیار قابل پیش‌بینی در مورد رمز و رازهای جیجان است، اما پیش‌بینی است که بسیاری از این شخصیت‌ها برای نوشتن چیزی تلاش می‌کنند که قابل‌نوشته شده است. آنها داستان‌های بسیار قابل پیش‌بینی در مورد غیرقابل پیش‌بینی بودن و راز‌آلود بودن می‌نویسنند. بنابراین تم‌های این ژانر در داستان‌های طعنه‌آمیز عمل می‌کند و به این سؤال اشاره می‌کند که آیا این داستان‌ها طنز هستند یا خیر؟

طعنه‌زنی با استفاده از رنگ‌ها: رنگ‌ها بر ویرگی پیش‌بینی تصادفی ژانر تأکید می‌کنند. شخصیت‌های «ارواح» همگی نام‌های مشابهی دارند. نام‌هایی که همگی نام رنگ هستند. موتیف اسم رمز به سطوح هیستوریک کشیده می‌شود، زیرا نه تنها به اسامی رمز هدف کارآگاهان اختصاص داده می‌شود، بلکه به کارآگاهان و کارفرمایان نیز داده می‌شود؛ حتی خیابانی که عمل داستانی در آن انجام می‌شود «خیابان نارنجی» نامیده می‌شود و نوشیدنی با عنوان «سیاه و سفید» نام برده می‌شود که با

ابهام و عدم قطعیت گرفتار شده است و تا آخر نمی‌تواند از این شرایط دور شود.

در «اتفاق درسته» نویسنده‌ای توسط دوست دوران کودکی اش، فنشاوه، در موقعیتی گرفتار می‌شود که به هیچ وجه انتظارش را نداشت. نویسنده وظیفه برسی و نشر آثار فنشاوه‌گمشده را بر عهده می‌گیرد. او در جست و جوی فنشاوه و سوساس پیدا می‌کند و در نهایت به حکمت سخنان همسر فنشاوه بی می‌برد که گفته بود فنشاوه باید باشد تا در اواج آنها زنده بماند.

وقتی نویسنده به فنشاوه اجازه می‌دهد تا با زندگی اش همراه شود، در اواقع جنون را به درون خود راه می‌دهد، وقتی فنشاوه با اوتماتس می‌گیرد و دفترچه‌ای به او می‌دهد، آن را زبین می‌برد و اجازه نمی‌دهد جنون به زندگی اش بازگردد.

تمام پیچش‌های روان شناختی که استر استفاده می‌کند، بعد جدیدی به رمان معماهی می‌افزاید، زیرا راز واقعی آن کشمکشی است که درون شخصیت‌های اصلی در جریان است. نویسنده بیان می‌کند که شهرشیشه‌ای، ارواح و اتفاق در بسته همه یک داستان هستند. هر کدام نشان دهنده وضعیت متفاوتی از آگاهی و عدم قطعیت هستند زیرا این شخصیت اصلی است که در این موقعیت گرفتار می‌شود و به فراخور ویژگی‌های روان شناختی فردی خود، دست به تصمیم‌گیری و اقدام می‌زند. شخصیت در داستان اول فرار نمی‌کند، اما در دو داستان دیگر فرار می‌کند.

در پایان بد نیست بگوییم که خوانندگان رمان‌های معماهی این کتاب را بسیار جالب می‌دانند. خوانش رمان نسبت آسان است، زیرا خواننده کنش‌های شخصیت‌های اصلی را دنبال می‌کند. خواندن آن برای کسانی که علاقه مندانه‌انواع غیرمعمول رمان‌های معماهی هستند توصیه می‌شود.

پلیس هایی که ممکن است منافع
شهروند را مدنظر داشته باشند و الب
جاسوسی که تهدیدی برای این زانو
شده است. شهر به عنوان حوزه
اجتماعی و توطئه ارائه می شود. درگی
در «شهر شیشه‌ای» است که دنیل
یک کارآگاه خود ساخته تبدیل می
تحت تأثیر پرونده ای که او محول
غرق و به نوعی از داستان مجموعی شو
مواری ساری (جاه طبی) به موازن
همانطور که استر در آخر کتاب میگ
سه کتاب مستقل نیستند. این س
شامل داستانهایی از نویسندهان و کا
است که کم و بیش جای خود را عرض
و نقش یکدیگر را به شیوه ای گاه آز
روایت می کنند. شخصیت اصلی خود
هرچ و مرج روانی گم می کند که می ت
نوعی فروپاشی نامید.

در شهر شیشه‌ای، شخصیت
نویسنده رمان های پلیسی، در نیمه
با یک تماس تلفنی مواجه می شود که
آن، نقش کارآگاهی را بر عهده می گیرد
می کند جان مردی رانجات دهد که
مورد آزمایش غیرانسانی از سوی پد
گرفته بود. نویسنده، دنیل کوین، د
نویسنده دیگری که به دنبال او می گر
آزمایش قرار می گیرد.

ارواح، داستان کارآگاهی دیگری
در آن مردی به نام سفید، کارآگاهی
آبی را برای زیر نظر گرفتن نویسنده
سیاه استخدام می کند. هم سیاه و ه
مرز جنون کشیده می شوند، سیاه
خواندن و نوشتن انجام نمی دهد
راحتی با کمالت و بی تحرکی مرتبط با
به او محول شده کنار نمی آید. آبی ن

رسوس به گونه ای انجام
از طریق روایت ذهنی
ضای تاریک و روشن
رد. داستان هادر مورد
در تاریکی کارهایی
داینکه هرگز دستگیر
مده و شخصیت ها در
وعی انتقادی که در
بنباتاند. این تصویری
دارد.

ت در این داستان ها
در خواننده استفاده
استان «ارواح» نام
ان دیگر، خواننده را
اتی و گرفتاری سوق
ی) دلالت بر چیزی
ن زدیک به شکستن
لات بروحت به دام
احساس درونی خود
در «اتاق در بسته»،
خود تبدیل می شود
خود و حشتگ است.
خنده ای در داستان
تصادف، همزمانی و
ها تأثیر می گذارد که
ای واقعی کلمه دارند
کوین اعتراف می کند
قدرتی پاراونید است
زی واقعی است و چه
ان نوعی هیجان را
بدم در خیابان ها در
هایی هستند که در
ها از مافیا و باندها،
رفه ای می ترسند، از

چیره دستی و کاملاً نامح
داده است که مخاطب ت
راوی یا شخصیت ها به
داستان و صحنه پی می
شخصیت هایی است
را انجام می دهند، به ام
نشوند و نویسنده، خوا
تلاش هستند تا بر مو
تاریکی کمین می کنند نو
است که به هنر نوآر اشار
تصویر انزجار و وحشت
برای القای پاسخی درون
می شود. در واقع یک
دارد و عناوین دو داش
به سمت احساس بی
می دهد: «شهر شیشه
دارد که به طرز خطنا
است و «اتفاق در بسته»
افتادن دارد که به نوعی
نویسنده است. به علاوه
خود نویسنده به تحریر
که این و پیریگ نیز به نوبه
موقعیت های دیوان
ارائه می شوند که در آر
کنایه آنقدر بر شخصیت
احساس می کنند به معنی
دیوانه می شوند. دنیل
که کار حل یک پرونده
که دیگر نمی داند چه چ
چیزی غیر واقعی.
پس زمینه شهری ر
به آن اضافه می کند.
عرض خطر همه تهد
شهر اعمال می شود.
جنایتکاران خرد پا
و خود پر کند. استراین عمل را به

رقی مترجم، مارک نوع خاصی از
باشد. نکته این است که در این
یفیف اسم رمز رنگ، بیش از حد
ده است و همین موضوع نشان
صه «تکرار» در داستانهای پست
د.

کتابی آمیز: پل استر نویسنده
ع نصر فراورایت، خودش را در
نویسد؛ با نوعی دوگانگی هم به
ده و هم به عنوان کارآگاه و توضیح
از نظر فنی راوی نیست. این بدان
گرچه خواننده ممکن است تصور
ده قصد دارد خودش راوی داستان
واقع، فرد دیگری رادر لفافه خلق
در نهایت به نام دنیل کوین نامیده
ن ترتیب پل استرنیز به یک کارآگاه
ست، زیرا مدت هایه داستان های
مند بوده است. گنجاندن او به
شخصیت در کتاب نشان دهنده
مرمند و راوی است.

ی سه گانه نیویورک: حس و رنگ
سیاه و سفید این سه گانه تصادفی
نده با استناد به نکات این ژانر و
پردازی های زیاد و غیر ضروری به
ک می کند تا جاهای خالی را به
جنایتکاران خرد پا